مطالعات قرآن و حدیث، سال چهارم، شمارهٔ دوم – بهار و تابستان ۱۳۹۰، پیاپی۸، صص۱۸۱-۲۱۳

احصاء و بررسی مبانی، اصول و روش‌های کار و تلاش جهادی از منظر قرآن کریم

سلمان رضوان خواه *
مهدی فاضلی دهکردی **

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۷/۱۶

چکیده

در قرآن کریم تأکید فراوانی بر حرفه آموزی، کسب روزی حلال و تلاش برای خودکفایی شده است که دستیابی به این خواسته‌ها، نیازمند کار و تلاش جهادی است. هدف این پژوهه از یک سو معرفی رهنمودهای اقتصادی قرآن کریم در مورد کار و تلاش جهادی بوده و از سوی دیگر ارائه مبانی، اصول و روش‌های این تلاش جهادی برای فعالان این عرصه، جهت الهام گرفتن از اندیشه‌های قرآنی و تحقق اقتصاد اسلامی در سطح جامعه است.

در مقاله حاضر تلاش شده است تا با استفاده از روش تحلیل اسنادی، این مبانی و اصول استخراج شوند. یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که مهمترین مبانی و اصول کار و تلاش جهادی از دیدگاه قرآن کریم عبارتند از: تقویت شخصیت اجتماعی، پیشرفت اقتصادی و استقلال اقتصادی. همچنین قرآن کریم بر این نکته تأکید دارد که در هر فعالیت اقتصادی یا اجتماعی، فرد باید عزیز باشد، به کسب تخصص بپردازد و اخلاق حرفه‌ای و تعادل در ثروت را رعایت کند.

این مهم از طریق روش‌های ذیل امکان تحقق دارد؛ کار مضاعف، قرض الحسنه دادن، داشتن وجدان کاری، قناعت ورزی، پرهیز از تنبلی، احتکار و گرانفروشی. نتایج حاصل از این پژوهه در مجموع سه مبنا، هفت اصل و چهارده روش برای تحقق کار و تلاش جهادی از منظر قرآن کریم را احصاء و معرفی کرده است.

واژگان کلیدی

اقتصاد، کار، عمل، تلاش، جهاد

---

* کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه پیام نور استان فارس s.kh.yass@gmail.com

** کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاداسلامی شهرکرد dehkordimehdy@yahoo.com

طرح مسئله

در جهان امروز هر یک از جوامع به نحوی با مسائل اقتصادی و توسعه همه جانبه آن مواجه هستند. جوامع پیشرفته و توسعه یافته در فکر حفظ و ارتقاء سطح توسعه خود بوده و جوامع عقب افتاده نیز در پی نیل به اصل آن قرار دارند. در این میان بررسی نوع کار و تلاشی که در جهت تحقق این توسعه و پیشرفت از طرف مردم جامعه صورت می‌گیرد، از جمله مواردی است که نیاز به بررسی و توجه بیشتر دارد.

«رشد اقتصادی در کنار سالم سازی فعالیت‌ها و مقابله با مفاسد از یک سو و گسترش عدالت اجتماعی و برخورداری عموم مردم از رفاه اقتصادی از سوی دیگر، از مهم‌ترین دغدغه‌های عصر حاضر در غالب جوامع است. این در حالی است که مهمترین شیوه‌ها و عناصر دستیابی به آن‌ها در آموزه‌های اسلامی ارائه شده است، آن سان که توجه به آن‌ها، به یقین می‌تواند رفاه و آسایش عمومی را به ارمغان آورد» (ایروانی، ۱۳۸۳، ص۹۲).

در جهان‌بینی اسلامی، کار و حرفه، مفهوم ویژه‌ای دارد و آثار آن، تمام صحنه هستی را دربر می‌گیرد و دنیا و آخرت را به هم پیوند می‌زند. در همین راستا از جمله مهمترین درس‌هایی که از کار کردن پیامبران الهی می‌توان گرفت، موارد ذیل است:

- بازداشتن مردم از تنبلی و سستی
- تشویق به کار مضاعف و جهادی
- تشویق به کسب روزی حلال
- نهی از وابسته بودن به دیگران
- بیان اهمیت تعاون و همیاری با افراد جامعه
- بیان اهمیت کار و تلاش در جامعه

به عنوان مثال در باب اهمیت کار می‌توان گفت که «پیامبران نیز همگی در بسیاری از مواقع کار می‌کردند، کارهایی سخت و طاقت فرسا، از چوپانی گرفته، تا خیاطی و زره بافی و کشاورزی، ولذا هیچ وقت در خانه نماندند و منتظر رسیدن روزی ننشستند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج۹، ص۲۱).

شاید بعد از تقوای الهی، کمتر مسئله‌ای باشد که در قرآن و نهج‌البلاغه و سایر بیانات ائمه اطهار(ع) به اندازه حرفه آموزی، کسب روزی حلال، تأمین اقتصاد خانواده و افراد تحت تکفّل به آن پرداخته شده باشد. در داستان شُعیب پیامبر (ع) در قرآن مجید آمده است که حضرت شعیب بعد از دعوت به توحید، قوم خود را دعوت به حق و عدالت در امور مالی کرد.

«إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ. إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ. فَاتَّقُواْ اللَّهَ وَ أَطِيعُون. وَ مَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ. أَوْفُواْ الْكَيْلَ وَ لَا تَكُونُواْ مِنَ الْمُخْسِرِينَ. وَزِنُواْ بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ. وَ لَا تَبْخَسُواْ النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْثَوْاْ فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِين» (شعراء:۱۷۷-۱۸۳).

شعیب به آن‌ها گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟! مسلّماً من برای شما پیامبری امین هستم، پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید. من در برابر این دعوت، پاداشی از شما نمی‌طلبم اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است. حق پیمانه را ادا کنید (و کم فروشی نکنید)، و دیگران را به خسارت نیفکنید و با ترازوی صحیح وزن کنید و حق مردم را کم نگذارید، و در زمین تلاش برای فساد نکنید.

این مسئله نشان می‌دهد که مسائل اقتصادی یک جامعه را نمی‌توان ساده شمرد و نیز نشان می‌دهد که پیامبران فقط مأمور به مسائل اخلاقی نبوده‌اند، بلکه اصلاح وضع نابسامان اجتماعی و اقتصادی نیز بخش مهمی از دعوت آن‌ها را تشکیل می‌داده است، تا آنجا که آن را، بعد از دعوت به توحید قرار می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج۹، ص۲۱۸).

در مورد اهمیت مسائل اقتصادی و کار و تلاش جهادی همچنین می‌توان به داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم اشاره کرده که در میان مشکلات متعدد مصر تصمیم گرفت خزانه‌داری را بر عهده بگیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج۱۰، ص۱۰).

«قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف:۵۵)؛ یوسف گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم!».

بدیهی است که برای دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی، انجام کار جهادی و تلاش خستگی ناپذیر با توجه به تخصص فردی و اجتماعی ضرورت دارد. در توضیح

معنای جهاد اقتصادی می‌توان به فرمایشات مقام معظم رهبری، آیة الله خامنه‌ای به عنوان یکی از افرادی که بیشترین دغدغه را در این خصوص دارند، توجه نمود. ایشان در تشریح مسئله جهاد اقتصادی می‌فرمایند: «هر تلاشی را نمی‌توان گفت جهاد. در جهاد حضور و رویارویی با دشمن مفروض است، انسان یک تلاشی می‌کند [در حالی که] دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک وقت شما می‌خواهید یک تلاشی را انجام دهید که به خصوص یک دشمنی، سینه به سینه شما ایستاده است، این می‌شود جهاد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۱۳۹۰/۱/۸).

البته در این زمینه پژوهش‌هایی نیز انجام شده است. به عنوان نمونه طهماسبی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تربیت اقتصادی در نهج البلاغه» نتیجه گرفته است که اعتلاء و کیفیت نیروی انسانی، یکی از راه‌های افزایش بهره‌وری و تسریع رشد اقتصادی در جامعه است. وی همچنین نتیجه می‌گیرد که روابط اقتصادی مؤثر در فرهنگ، موجب ساخته شدن بُعد معنوی انسان است (طهماسبی سروستانی، ۱۳۷۹، ص۲).

جدیری نیز در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تربیت اقتصادی کودکان از دیدگاه اسلام» بیان می‌دارد که باید کودکان به گونه‌ای تربیت شوند که نعمتهای دنیا را امانت خدا بدانند و به کار و کوشش علاقه داشته باشند و از تنبلی و بیکارگی بپرهیزند و با توجه به استعدادشان جهت آشنایی با مشاغل مباح هدایت شوند. آنان همچنین باید روحیه تعاون، انفاق، طلب روزی حلال، قناعت در مصرف و عادت به صرفه‌جویی و نفی اسراف و تبذیر را در خود پرورش دهند (جدیری، ۱۳۷۸، ص۲).

ایروانی نیز در پژوهشی با عنوان «اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث» نتیجه می‌گیرد که اخلاق اقتصادی بخشی از آموزه‌های اسلامی است که از یک سو، مؤلفه‌های رشد و توسعه اقتصادی و رفاه عمومی را ارائه می‌کند و از سوی دیگر شیوه‌ها و عناصر مقابله با مفاسد و سالم سازی فعالیت‌های اقتصادی را بر می‌نمایاند و بستر لازم را برای رشد معنوی و سعادت ابدی انسان فراهم می‌سازد (ایروانی، ۱۳۸۳، ص۹۱).

درودی نیز در پژوهشی با عنوان «فرهنگ کار از دیدگاه اسلام» نتیجه می‌گیرد که از نظر اسلام، رسیدن به سطح مطلوب بهره‌وری در گرو داشتن عناصری آگاه، هوشمند،

متعهد، نوآور، تحت سیستم اجتماعی و انسانی در محیط کاری است که این موارد میسر نمی‌شود، جز با ارتقاء فرهنگ کار (درودی، ۱۳۸٤، ص۱٤).

نهایت اینکه با مطالعه پژوهش‌های متعدد، متوجه می‌شویم که این پژوهش‌ها اگر چه به موضوع کار و مسائل اقتصادی از دیدگاه اسلام، قرآن و احادیث ائمه اطهار(ع) پرداخته‌اند، اما تمرکز کمی بر روی تلاش جهادی داشته‌اند. نیز ملاحظه می‌شود که هیچکدام از این پژوهش‌ها به موضوع مبانی، اصول و روش‌های کار جهادی نپرداخته‌اند، این در حالی است که کسانی که در زمینه نهادینه کردن کار و حرفه آموزی در جامعه مشغول هستند، لازم است از یک سو با مبانی، اصول و بایدها و نبایدهای کار جهادی آشنا شوند – تا بتوانند راه را به کسانی که قدم در عرصه کار و تلاش اقتصادی می‌گذارند، بنمایانند – و از سوی دیگر با روش‌های انجام تلاش مضاعف و جهادی که به صورت مشخص و ملموس به این مبحث مربوط می‌شود، آشنا شوند.

به همین منظور پژوهش حاضر قصد دارد با غور و بررسی در قرآن کریم؛ مبانی، اصول و روش‌های کار و تلاش جهادی را استخراج نماید. دلیل استناد این پژوهش به قرآن کریم به جهت نگاه جامعی است که قرآن به مسائل مربوط به کار و تلاش در سطح جمعی و فردی دارد. بر این اساس این پژوهه به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است که: مبانی کار و تلاش جهادی از منظر قرآن کریم کدام‌اند؟ این مبانی شامل چه اصولی هستند؟ و هر یک از این اصول از چه روش‌هایی قابل وصول می‌باشند؟

۱. روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر از نوع تحلیل اسنادی است. در پژوهش اسنادی سعی می‌شود کلیه اسناد و مدارک موجود و مرتبط با موضوع پژوهش به منظور پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش مورد بررسی قرار گیرد. از این رو کلیه اسناد و مدارک موجود در ارتباط با موضوع پژوهش، بررسی و تحلیل شده است.

بدین منظور، داده‌های حاصل از پژوهش به گونه‌ای طبقه‌بندی شدند که گزاره‌های «توصیفی» یا «هست»ها به عنوان «مبانی» و زیربنای مفهوم کار و تلاش جهادی، گزاره‌های «تجویزی» یا «باید»های کلی که از مبانی مشتق می‌شوند به عنوان «اصول»، و

نهایتاً گزاره‌های «تبیینی» و «تطبیقی» که به امور جزئی پرداخته‌اند، به عنوان «روش»های وصول به اصول و مبانی کار و تلاش جهادی احصاء شده‌اند.

بر این اساس در پژوهش حاضر سه مبنا، هفت اصل و چهارده روش استخراج شده است. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که اگرچه مبنای این تحقیق قرآن کریم بوده است، لکن در مواردی سعی شده است، جهت روشن‌تر شدن موضوع، به احادیث و روایات ائمه اطهار(ع) – به عنوان قرآن ناطق و تبیین کننده اصول و کلیات قرآن – نیز اشاره شود. در ادامه به تبیین این مبانی و در ذیل آن اصول و روش‌های تحقق آن پرداخته می‌شود

۲. تقویت شخصیت اجتماعی

اولین مبنا، تقویت شخصیت اجتماعی است، چرا که از جمله مهمترین مواردی که با کار و تلاش، به ویژه تلاش توأم با روحیه جهادی محقق می‌شود، تقویت شخصیت اجتماعی افراد در جامعه است. با داشتن یک شغل و حرفه و تلاش در جهت امرار معاش خانواده، نگاه جامعه به فرد تغییر یافته و به نگاهی توأم با احترام تبدیل خواهد شد. در این خصوص خداوند متعال می‌فرماید: «وَ لَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِی آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّیِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَی کَثِیرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِیلًا» (اسراء:۷۰)؛ ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوارشان کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزیشان دادیم و بر بسیاری از آفریدگانمان برتریشان دادیم.

این آیه نشان می‌دهد که خداوند برای تقویت شخصیت اجتماعی انسان‌ها و خوار نشدن آن‌ها در مقابل دیگران، اسباب کسب درآمد را در اختیار آنان قرار داده است. در این زمینه وظیفه ابناء بشر نیز آن است که جهت تحقق این کرامت به کار و تلاش پرداخته و روزی خود را از راه حلال کسب نماید. در ذیل این مبنا و برای محقق شدن شخصیت اجتماعی و تقویت آن، اصول و روش‌هایی وجود دارد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۱. اصل احساس مسئولیت

یکی از اصول جهاد اقتصادی، احساس مسئولیت افراد در رابطه با رفع نیازهای هم نوعان خود است؛ که از مبنای تقویت شخصیت اجتماعی نشأت می‌گیرد. در جهان‌بینی اسلامی و در حوزه کار و تلاش، انسان در مقابل رفع نیازهای ضروری جامعه مسئول است. خداوند متعال در سوره نساء می‌فرماید: «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالجَنبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» (نساء:۳٦)؛ و نسبت به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و دوستان موافق و در راه مانده و بندگانی که زیر دست‌های شمایند (در حق همه) نیکی و مهربانی کنید.

فرد تربیت یافته در مکتب قرآن کریم حتی گاهی نیازهای دیگران را بر نیازهای خود مقدم می‌داند که تحقق این روحیه نیازمند یک تلاش جهادی است، چراکه توأم با از خودگذشتگی و ایثار می‌باشد. خداوند متعال در سوره حشر و در توصیف انصار که خانه و کاشانه خویش را رها کرده و به خاطر امیدواری به خدا و پیامبرش(ص) هجرت کرده بودند، می‌فرماید: «وَ يُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر:۹)؛ هر چند (به چیزی) نیازمند باشند، اما مهاجران را بر خویش (در آن چیز) مقدم می‌دارند.

این روحیه نشانگر احساس مسئولیت آنان در قبال همنوعان خود است. همچنین قرآن کریم یکی از ویژگی‌های متقین را این می‌داند که: «وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ» (ذاریات:۱۹)؛ در اموالشان برای فقیر و سائل و محروم حقی معلوم است و خود را نسبت به محرومان مسئول می‌دانسنند.

برای تحقق این روحیه خداوند متعال در قرآن کریم روش‌هایی را بیان کرده است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۲-۱-۱. انفاق کردن

این روش در اقتصاد اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است و علاوه بر وظیفه تعدیل ثروت توسط خود مردم، وظیفه تزکیه و وارستگی انسان‌ها را نیز بر عهده دارد. ارزش

انفاق تا جایی است که در قرآن کریم در ردیف نماز، زکات و جهاد آمده است، و لذا می‌توان آن را یکی از روش‌هایی دانست که نیاز به داشتن روحیه جهادی دارد. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «اللَّهَ اللَّهَ فِی الْجِهَادِ فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُم» (شریف رضی، ۱۳۸۲، نامه٤٧، ص٥٥٩)؛ خدا را، خدا را، در جهاد با مال و نفس خویش در راه خدا».

از منظر قرآن کریم یکی از عوامل موفقیت و پیشرفت در کار انفاق است، که تجارتی است پرسود با خداوند و مایهٔ فزونی اموال می‌باشد: «وَ مَا أَنفَقْتُم مِّن شَیْءٍ فَهُوَ یُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَیْرُ الرَّازِقِینَ» (سبأ:۳۹)؛ آنچه را در راه خدا انفاق کنید، خداوند جای آن را پر می‌کند و او بهترین روزی دهندگان است.

طبق آیه فوق، شئ به معنای وسیع کلمه، تمام انواع انفاق را اعم از مادی و معنوی، کوچک و بزرگ، به هر انسان نیازمند اعم از صغیر و کبیر، همه را شامل می‌شود و مهم این است که انسان از سرمایه‌های موجود خود در راه خدا ببخشد، به هر کیفیت و به هر کمیت که باشد (مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج١، ص١٢٢).

در انفاق کردن باید توجه داشت که رضای پروردگار باید هدف اصلی باشد، نه پیروی از هوای نفس و جلب توجه دیگران. شخصی که انفاق می‌کند، آینده‌نگر و دارای بینشی عمیق است؛ از این رو دارایی خویش را در معامله‌ای مقدس وسیله‌ای برای نیل به منافع دراز مدت و سود و لذت پایدار قرار می‌دهد: «إِنَّ الَّذِینَ یَتْلُونَ کِتَابَ اللَّهِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِیَةً یَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ. لِیُوَفِّیَهُمْ أُجُورَهُمْ وَ یَزِیدَهُم مِّن فَضْلِهِ» (فاطر:۲۹ و۳۰)؛ آن‌ها که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند و نماز را به پا می‌دارند و از آنچه به آن‌ها داده‌ایم، نهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی امید دارند که هرگز زیان نمی‌کنند، تا خدا پاداش کامل به آن‌ها عطا کند و از فضلش بر (ثواب) آن‌ها بیفزاید.

یکی از نکات دیگری که در مورد انفاق کردن مهم بوده و افراد باید در استفاده از این روش بدان توجه داشته باشند، اعتدال و میانه‌روی در انفاق است. منظور آن است که، نه در انفاق کردن اسراف کنند و نه بخل ورزند. خداوند متعال در این رابطه می‌فرماید: «وَالَّذِینَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا وَ لَمْ یَقْتُرُوا وَ کَانَ بَیْنَ ذَلِکَ قَوَامًا» (فرقان:٦٧)؛

و آنان که هنگام انفاق اسراف نمی‌کنند و بخل (هم) نمی‌ورزند، بلکه میان این دو راه میانه را می‌گیرند.

یکی از انواع انفاق که نشان می‌دهد فرد نسبت به مشکلات دیگران احساس مسئولیت می‌کند، صدقه دادن است که خداوند در قرآن کریم به طور مکرر بر پرداخت آن تأکید فرموده است. از جمله در قرآن آمده است:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَتِ ... وَ الْمُتَصَدِّقِينَ وَ الْمُتَصَدِّقَتِ ... أَعَدَّ اللَّهُ لهُم مَّغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب:۳۵)؛ به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، ... مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، ... خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

یکی از مهمترین نکاتی که در مورد صدقه دادن باید به آن توجه داشت و محقق شدن آن نیاز به روحیه‌ای جهادی دارد، این است که فرد باید از آنچه که دوست دارد و به آن علاقه‌مند است، صدقه بدهد و این کار را نیز با میل و رغبت انجام دهد: «الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لاَ يَجِدُونَ إِلاَّ جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللّهُ مِنْهُمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (توبه:۷۹)؛ کسانی که بر مؤمنانی که [افزون بر صدقه واجب] از روی میل صدقات [مستحب نیز] می‌دهند عیب می‌گیرند و [همچنین] از کسانی که [در انفاق] جز به اندازه توانشان نمی‌یابند [عیب جویی می‌کنند] و آنان را به ریشخند می‌گیرند، [بدانند که] خدا آنان را به ریشخند می‌گیرد و برای ایشان عذابی پر درد خواهد بود.

نیز در کتاب *الکافی* آمده است که امام صادق(ع) شِکر صدقه می‌دادند. به ایشان عرض شد: آیا شِکر صدقه می‌دهید؟ فرمودند: آری. شِکر را از هر چیز دیگری بیشتر دوست دارم و از این رو خوش دارم آنچه را دوست‌تر دارم، صدقه بدهم. (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ٤، ص ٦١).

از جمله موارد دیگری که در این روش، رعایت آن تأکید شده است، صدقه دادن به صورت پنهانی است: «إِن تُبْدُواْ الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَ إِن تُخْفُوهَا وَ تُؤْتُوهَا الْفُقَرَاء فَهُوَ خَيْرٌ لُّكُمْ وَ يُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّئَاتِكُمْ وَ اللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (بقره:۲۷۱)؛ اگر صدقه‌ها را آشکار کنید، این، کار خوبی است، و اگر آن را پنهان دارید و به مستمندان

بدهید، این برای شما بهتر است و بخشی از گناهانتان را می‌زداید، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

همچنین از جمله نکاتی که در هنگام صدقه دادن باید رعایت شود، این است که صدقه با منّت و آزار همراه نباشد: «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَة يَتْبَعُهَآ أَذًى وَاللّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تُبْطِلُواْ صَدَقَاتِكُم بِالْمَنِّ وَالأَذَى» (بقره:۲٦۳ و ۲٦٤)؛ گفتاری پسندیده (در برابر نیازمندان) و گذشت (از اصرار و تندیِ آنان) بهتر از صدقه‌ای است که آزاری به دنبال آن باشد، و خداوند بی‌نیاز بردبار است، ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منّت و آزار، باطل مکنید.

قرآن کریم همچنین کسانی که مستحق دریافت صدقه‌اند را نیز معرفی کرده است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاء وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيهَا وَ الْمُؤَلَّفَة قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللّهِ وَ اللّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه:٦۰)؛ صدقات تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود و در [راه آزادی] بردگان و وامداران و در راه خدا و به در راه مانده اختصاص دارد. [این] به عنوان فریضه از جانب خداست و خدا دانای حکیم است.

۲-۱-۲. زکات دادن

زکات دادن یکی دیگر از روش‌هایی است که افراد می‌توانند برای تحقق اصل حس مسئولیت از آن استفاده کنند، چون در زکات فرد باید از حق خود برای رفع نیاز مستمندان بگذرد، لذا این کار، یک کار جهادی است. شکی نیست که هر جامعه‌ای دارای افرادی از کار افتاده، بیمار، یتیم، بی سرپرست، معلول و امثال این‌ها می‌باشد که باید مورد حمایت قرار گیرند. همچنین هزینه پاسداران مرزها و کارمندان دولت با حکومت می‌باشد، لذا به همین دلیل زکات در اسلام، در حقیقت یک نوع مالیات بر درآمد و تولید است، تا جایی که در ردیف عبادات قرار می‌گیرد.

خداوند یکی از صفات مؤمنان راستین را پرداخت زکات معرفی می‌کند چرا که آن‌ها بر خلاف منافقان که افرادی بخیل هستند، بخشی از اموال خویش را در راه خدا و

حمایت خلق خدا و جهت بازسازی جامعه، انفاق می‌نمایند (مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج۸،ص۳۷).

همچنین خداوند یکی از ویژگی‌های برادران دینی را که نشان از احساس مسئولیت به سایر برادران دینی دیگر است، پرداخت زکات می‌داند. پرداخت زکات نیز مثل انفاق نه تنها موجب کم شدن اموال نمی‌شود، بلکه باعث افزایش دارایی‌ها خواهد شد، چنانکه خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید: «وَ مَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» (روم:۳۹)؛ و آنچه را از زکات در حالی‌که خشنودی خدا را خواستارید، داده‌اید، (چندین برابر می‌شود)، پس آن (زکات دهندگان) همان فزونی داده شدگانند.

۲-۱-۳. قرض الحسنه (وام) دادن

پرداخت وام به صورت قرض الحسنه که در ازای آن هیچ سودی به فرد وام دهنده پرداخت نمی‌شود، یکی از روش‌هایی است که در جهت رفع نیازهای افراد جامعه از آن استفاده می‌شود. قرض یا وام به معنی «دادن بخشی از مال به کسی است، به شرط آن‌که عین مال را برگرداند، یا مانند آن را به جای آن دهد، و آن مالی است که به دیگری می‌دهی و او باید آن را اَدا کند» (حائری، ۱۳۸٦، ص۲٤٥) تعریف شده است.

خداوند متعال در این رابطه می‌فرماید: «وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً» (مائده:۱۲)؛ خدا را قرض نیکویی دهید.

یکی از نکاتی که از این آیه می‌توان دریافت کرد، این است که کمک به خلق خدا، همانا کمک به خداوند است. نیز می‌توان دریافت که قرض دادن باید به شیوه‌ای نیکو باشد؛ از مال خوب، با نیّت خوب و بدون منّت. همچنین این قرض شامل عموم کمک‌ها می‌شود که نمونه روشن آن «وام» دادن به مردم است.

خداوند متعال می‌فرماید: «مَّن ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِیرَةً وَاللَّهُ یَقْبِضُ وَ یَبْصُطُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُون» (بقره:۲٤٥)؛ کیست که به خدا «قرض الحسنه‌ای» دهد، (و از اموالی که خدا به او بخشیده، انفاق کند) تا آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است (که روزی بندگان را) محدود یا گسترده می‌سازد (و

انفاق، هرگز باعث کمبود روزی آنها نمی‌شود) و به سوی او باز می‌گردید (و پاداش خود را خواهید گرفت).

یکی از آسیب‌هایی که این روش را تهدید می‌کند، عبارت است از اینکه امکان دارد فرد وام دهنده درخواست سود کند. این سودِ حرام که «ربا» نام دارد، از نظر قرآن بسیار مذموم است و بر ضرورت پرهیز از آن تأکید فراوان شده است. در قرآن کریم در این خصوص آمده است: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لاَ يَقُومُونَ إِلاَّ كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُواْ إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَن جَاءهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللّهِ وَ مَنْ عَادَ فَأُوْلَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. يَمْحَقُ اللّهُ الْرِّبَا وَ يُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَ اللّهُ لاَ يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (بقره:۲۷۵ و ۲۷٦)؛ کسانی که ربا می‌خورند (از گور) برنمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: «داد و ستد، صرفاً مانند رباست» و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال و ربا را حرام گردانیده است. پس هر کس اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید و (از رباخواری) باز ایستاد، آنچه گذشته، از آنِ اوست، و کارش به خدا واگذار می‌شود و کسانی که (به رباخواری) بازگردند، آنان اهل آتش‌اند و در آن ماندگار خواهند بود. خدا از (برکت) ربا می‌کاهد و بر صدقات می‌افزاید و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد.

به همین سبب، این روش نیز توأم با نوعی از خودگذشتگی بوده و انجام آن مستلزم داشتن روحیه‌ای جهادی است.

۲-۲. حفظ عزّت مندی

«عزت در مورد انسان یعنی حفظ آبرو و شخصیت و عدم کُرنش در برابر صاحبان زرّ و زور» (عبدوس و اشتهاردی، ۱۳۷۵، ص۱۷۸). اصل عزت نیز ناظر به مبنای تقویت شخصیت اجتماعی است و مقصود از این اصل به واقع آن است که باید انسان را عزیز داشت و مایهٔ های عزت او را فراهم آورد. یک انسان همواره باید عزیز باشد، چرا که خداوند او را عزیز آفریده است.

در بسیاری از تعبیرات اسلامی حالت مناعت طبع و احساس شرافت تحت عنوان عزت نفس بیان شده است. در رأس همه این روایات، تعبیر خود قرآن کریم است که می‌فرماید: «وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون:۸)؛ عزت از آنِ خداوند و رسولش و مؤمنان است.

در یک جامعه مطلوب، هیچکس حق ندارد عزت و شرافت خود را به پای پول و مادیات قربانی کند. حفظ حرمت انسانی و شخصیت انسان‌ها محور برنامه‌های اقتصادی است و هر برنامه‌ای که منجر به خدشه‌دار شدن عزت نفس و مناعت طبع انسان‌ها شود، مردود است. مقام معظم رهبری در خصوص رابطه این اصل با جهاد اقتصادی می‌فرمایند: «وقتی انسان برای اعتلای کلمه حق، اعتلای کلمه اسلام، عزت بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و مسلمان ایران تلاش می‌کند، این جهاد می‌شود، جهاد فی سبیل الله. آن وقت در این تلاش، برکات و عظمت و شأن جهاد فی سبیل الله وجود دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۱۳۹۰/۱/۸).

همچنین در مورد شغل و حرفه و عزت‌مند بودن فرد شاغل، امام صادق(ع) می‌فرمایند: «مؤمن را نشاید که خویشتن را خوار سازد. عرض شد: چگونه خود را خوار می‌سازد؟ فرمود: دست به کاری می‌زند که توانش را ندارد و بدین سان خود را خوار و سرافکنده می‌کند» (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص۲٤٥).

یکی از نکاتی که در اصل عزت بسیار حائز اهمیت است، رابطه عزت و تقوا می‌باشد. به عبارتی می‌توان گفت که «معیار عزت، تقوا است» (باقری، ۱۳۸۷، ص۱۹۳). کسی که متقی و پرهیزگار نباشد، عزیز نیست، اگرچه ممکن است احساس عزت کند، اما فی الواقع عزیز نیست. امام علی (ع) می‌فرمایند: «هیچ عزتی بالاتر از تقوا نیست» (شریف رضی، ۱۳۸۲ق، حکمت ۳۷۱، ص۷۱۹).

تقوا و پرهیزگاری با عفاف نیز نمود پیدا می‌کند. خداوند در مورد فقیرانی که ابراز فقر نکرده و عزت خود را در مقابل دیگران حفظ می‌کنند می‌فرماید: «يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُم بِسِيمَاهُمْ لاَ يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا» (بقره:۲۷۳)؛ از فرط عفاف هر کس از حال آن‌ها آگاه نباشد، پندارد که غنی و بی نیازند. شما به (فقر) آن‌ها از سیمایشان پی می‌برید و از (عزت نفس) هرگز (چیزی) با اصرار سؤال نکنند.

۲-۲-۱. قناعت ورزیدن

اولین روشی که در باب دستیابی به اصل عزت به آن می‌پردازیم، قناعت است. برای تبیین مفهوم قناعت باید گفت: «قناعت یعنی صرفه جویی و راضی شدن به کم. قناعت سبب آرامش، عدالت، صلح و اخوّت و رستگاری انسان است. قناعت رفتاری پیشگیرانه است که از نیازمندی گسترده، عادت‌های بی فایده و غفلت از لذت‌های معنوی و مصرف کردن نیرو برای تحصیل مال و لذت، پیشگیری می‌کند و این آثار سوء را به حداقل می‌رساند» (حسینی، ۱۳۸۷، ص٤٩٤).

امام علی (ع) در این رابطه می‌فرمایند: «قانع باش تا عزیز گردی» (مجلسی، ١٤٠٠ق، ج۷۸، ص۵۳). خداوند قناعت را از جمله موارد مهمی می‌داند که افراد باید در فعالیت‌های اقتصادی مطمح نظر داشته باشند. به عنوان مثال وقتی از امیرالمومنین علی(ع) در رابطه با آیه «فَلَنُحيِيَنَّهُ حياةً طَيِّبَةً ...» (نحل:۹۷) پرسش شد، ایشان فرمودند: مقصود قناعت است (شریف رضی، ۱۳۸۲ق، حکمت۲۲۹).

در رابطه با قناعت باید به این نکته مهم اشاره کرد که قناعت در مصرف جلوه‌گر می‌شود، نه در تولید. «در بُعد تولید قناعت به معنای تولید نکردن یا کم تولید کردن نیست، بلکه قناعت این است که از منابع تولید به بهترین وجه استفاده شود. البته گاه تولید بیش از حد مستلزم استفاده نا به جا از طبیعت و تخریب آن می‌شود که در اینجا قناعت به معنای اکتفا و رضایت داشتن به تولید در حد نیاز است. زیرا ضرر بزرگِ نابودی طبیعت با امور دیگر قابل مقایسه نیست» (رضایی، ۱۳۸۷، ص١٥٤).

۲-۲-۲. پرهیز از حرص و طمع

حرص و طمع یا زیاده خواهی، یکی از عواملی است که باعث می‌شود انسان به خاطر آن، به هر کاری دست یازد. لذا یکی از راه‌های خوار شدن انسان و سلب عزت‌مندی وی، حرص داشتن و طمع ورزیدن است. «حرص، حالتی نفسانی است که آدمی را به جمع کردن چیزهایی که به آن‌ها نیاز ندارد، وا می‌دارد. این خوی حد و مرزی نمی‌شناسد. حریص هرچه دارد، او را بسنده نیست و در هر سطح از درآمد و ثروت احساس بی نیازی نمی‌کند» (عبدی، ١٣٨٦، ص٦٥).

حرص ورزی از حبّ دنیا سرچشمه می‌گیرد و از صفات گمراه کننده و مهلک اخلاق است. همچنین در تعریف حرص آمده است: «آز و حرص به معنای رغبت شدید به چیزی همراه با فعالیت و عمل است» (باقری، ۱۳۸۷، ص۲۲۷). از این رو یکی از لوازم حرص این است که فرد تمام همت و تلاش خود را مبذول می‌دارد.

همچنین این که انسان به چه چیزی آزمندی نشان می‌دهد نیز متفاوت است، گاه آدمی نسبت به مسائل دنیا حریص می‌شود که چنین فرد آزمندی اگر در شرایط تنگدستی قرار گیرد به یأس، درماندگی و کفران روی می‌آورد و اگر در گشایش قرار گیرد، ذوق زدگی، فخر و بخل، گریبان او را خواهد گرفت. گاه نیز ممکن است آدمی از حرص مادیات رها شده و در بند حرص دِل خویش قرار گیرد.

خداوند در قرآن کریم همواره مؤمنین و سایر مردم را از این حالت منع نموده و آن را تقبیح کرده است. به عنوان مثال خداوند در آیه ۱۹ سوره احزاب یکی از دلایل اجتناب از جهاد را حرص می‌داند: «أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىَ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُم بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَىَ الْخَيْرِ أُوْلَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُواْ فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَالِكَ عَلَىَ اللَّهِ يَسِيراً» (احزاب:۱۹)؛ آن‌ها در همه چیز نسبت به شما بخیل هستند و هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می‌بینی آن چنان به تو نگاه می‌کنند و چشم‌هایشان در حدقه می‌چرخد، که گویی می‌خواهند قالب تهی کنند! امّا وقتی حالت خوف و ترس فرو نشست، زبان‌های تند و خشن خود را با انبوهی از خشم و عصبانیت بر شما می‌گشایند (و سهم خود را از غنایم مطالبه می‌کنند!) در حالی که در آن نیز حریص و بخیل هستند. آن‌ها (هرگز) ایمان نیاورده‌اند، از این رو خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد و این کار بر خدا آسان است.

البته باید در نظر داشت که حرص در مورد جمع‌آوری مال و ثروت و مقام و سایر شهوات مادی است که از صفات رذیله محسوب می‌شود، ولی اگر حرص در مورد کارهای نیک و خیر به کار رود، نه تنها مذموم و نکوهیده نیست، بلکه مورد ستایش هم هست. به عنوان مثال پیامبر اسلام(ص) در هدایت گمراهان به دین اسلام آن چنان حریص بودند که خداوند متعال خطاب به ایشان می‌فرماید: «إِن تَحْرِصْ عَلَى هُدَاهُمْ

فَإِنَّ اللّهَ لاَ يَهْدِي مَن يُضِلُّ وَ مَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ» (نحل:۳۷)؛ اگر [چه] بر هدایت آنان، حرص ورزی، ولی خدا کسی را که فرو گذاشته است، هدایت نمی‌کند و برای ایشان یاری‌کنندگانی نیست.

نیز خداوند در توصیف کسانی که قابلیت ایمان آوردن به خداوند را دارند، می‌فرماید: «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا» (سجده:۱٦)؛ پهلوهایشان از خوابگاه‌ها جدا می‌گردد و پروردگار را از روی بیم و طمع می‌خوانند.

۳. پیشرفت اقتصادی

دومین مبنای تحقق کار و تلاش جهادی از منظر قرآن کریم، تأکید داشتن بر پیشرفت‌های اقتصادی است. در بسیاری از آیات قرآن به این مبنا اشاره شده است، مانند: آیه شریفه «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مدثر:۳۸) که پیشرفت انسان را در گرو اعمال او دانسته، و یا آیه شریفه «وَ أَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم:۳۹) که بهره انسان را تنها در گرو سعی و تلاش وی برمی شمرد.

همچنین در بسیاری از آیات قرآن، بعد از ذکر ایمان، بر عمل صالح تکیه شده است تا همگان این خیال را از ذهن خود دور کنند که بدون سعی و تلاش می‌توان به جایی رسید. از دیدگاه قرآن کریم، کار و تلاش همراه با سود مادی و معنوی است، که سود مادی آن اشاره به پیشرفت‌هایی دارد که در حوزه اقتصادی محقق می‌شوند.

خداوند در این رابطه می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاء فَعَلَيهَا وَ مَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ» (فصلت: ٤٦)؛ هر کس کار شایسته کند، به سود خود اوست و هر کس بدی کند، به زیان خود اوست و پروردگار تو به بندگان [خود] ستمکار نیست.

رهبر معظم انقلاب در خصوص رابطه جهاد اقتصادی و پیشرفت اقتصادی کشور می‌فرمایند: «اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه مسائل اقتصادی، یک حرکت جهاد گونه‌ای انجام بدهد و این گام بلندی را که برداشته است با گام‌های بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت».

ایشان در ادامه به نقش اسلام در این پیشرفت اشاره نموده و می‌فرمایند: «ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه حل مشکلات اقتصادی به همه دنیا نشان دهیم؛

الگو را بر سر دست بگیریم تا ملت‌ها بتوانند ببینند که یک ملت، در سایه اسلام و با تعالیم اسلام چگونه می‌تواند پیشرفت کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۱۳۹۰/۱/۸).

۳-۱. تخصص داشتن

در ذیل مبنای پیشرفت اقتصادی داشتن، اصولی نهفته است که از آن جمله، تخصص داشتن و رعایت اخلاق حرفه‌ای است. امروزه ثابت شده است که آموزش یکی از بهترین روش‌های بالا بردن کارایی در هر سازمانی است، لذا می‌توان گفت یکی دیگر از اصول جهاد اقتصادی که بر مبنای پیشرفت اقتصادی استوار است، کسب تخصص در شغل یا حرفه‌ای است که فرد به آن مشغول است.

خداوند متعال در سوره سبأ از افراد متخصصی نام برده است که هر کدام در کاری تخصص داشته و به حضرت سلیمان (ع) خدمت می‌کرده‌اند: «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِن مَّحَارِيبَ وَ تَمَاثِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» (سبأ:۱۳)؛ [آن متخصصان] برای او هر چه می‌خواست از نمازخانه‌ها و مجسمه‌ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه‌ها و دیگ‌های چسبیده به زمین می‌ساختند. ای خاندان داوود، شکرگزار باشید و از بندگان من اندکی سپاسگزارند.

نیز در قرآن از پیامبرانی نام برده شده است که هر کدام در کاری تخصص داشته‌اند، همانند حضرت داود (ع) که در ساختن زره تخصص داشته (سباء:۱۰). خداوند در ادامه این آیه به حضرت داود (ع) دستور می‌دهد که کار ساختن زره را با دقّت و ظرافت و نهایت تخصص انجام دهد: «أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَ قَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (سبأ:۱۱)؛ زره‌های فراخ بساز و حلقه‌ها را به اندازه و یک شکل گردان.

از آنچه گفته شد در می‌یابیم که افزایش توان اقتصادی با بهره‌گیری از علم و تخصص امکان‌پذیر است و امروزه تواناترین جامعه، آن جامعه‌ای است که علم و تخصص بیشتری بیابد و با استفاده از انواع شیوه‌ها، بازدهی اقتصادی خود را افزایش داده و در روابط بین المللی، توان خود را نشان دهد.

۳-۱-۱. مداومت ورزی بر یک کار مشخص

برای رسیدن به پیشرفت اقتصادی، روش‌هایی لازم است که از آن جمله مداومت ورزیدن بر یک کار مشخص است. پرداختن به یک حرفه به مدت طولانی و رها نکردن آن در مدت زمان کوتاه باعث می‌شود که فرد آن کار را به بهترین شکل انجام دهد، چرا که یکی از شیوه‌های خُبره شدن در یک کار، تمرین و تکرار است. نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که مداومت و پیگیری در کار با تنوع داشتن، تضادی ندارد، بلکه تنوع در درون شغل و معاضد با همان حرفه می‌تواند وجود داشته باشد که باعث ایجاد نشاط نیز می‌شود.

آنچه از مفهوم کار و تلاش مدنظر قرآن و دین مبین اسلام است، چنین کاری است. امام باقر (ع) در این رابطه می‌فرمایند: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَ إِنْ قَلَّ» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج۲، ص۸۲)؛ محبوب‌ترین کارها در پیشگاه خدای عزوجل کاری است که بنده بر آن مداومت ورزد، گرچه اندک باشد.

از امام علی (ع) نیز نقل شده است که: «قَلِيلٌ يَدُومُ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مُنْقَطِعٍ» (شریف رضی، ۱۳۸۲ق، حکمت۲۷۸، ص۶۹۷)؛ کار (خیر) اندک که بر آن مداومت ورزی، از کار بسیار که از آن خسته شوی و قطع شود، امیدوار کننده تر است.

۳-۱-۲. تجربه اندوزی

یکی دیگر از روش‌های متخصص شدن در یک مهارت یا حرفه، تلاش در آن مهارت یا حرفه و کسب تجربه است. هرچه تجربه شغلی فرد بیشتر باشد، قدرت جابه‌جایی و تحرّک شغلی او کمتر خواهد شد و تخصص و مهارت وی نیز بیشتر به سازمان خود اختصاص خواهد یافت. امام علی (ع) با تأکید فراوان بر مسأله تجربه اندوزی، تحقق این روش را از عواملی می‌دانند که به مردم دانش تازه می‌دهد. ایشان می‌فرمایند: «عقل استعدادی است که به سبب علم و تجربه زیاد می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ح۱۷۱۷).

دانش و تخصصی که تجربه در اختیار انسان قرار می‌دهد، دانشی کاربردی است که برای انسان در امور مختلف زندگی مفید خواهد بود. دستیابی به تجربه، اگرچه ممکن است برای انسان ضررهای ظاهری را به همراه داشته باشد، اما هیچ آسیبی را به

وی نمی‌رساند، زیرا وی از راه تجربه و تخصصی که به دست آورده است، خسارت‌های ظاهری را جبران می‌کند، زیرا به دانشی نو دست می‌یابد که اگر خود می‌خواست به آن برسد، می‌بایست هزینه زیادی را صرف آن می‌کرد. با این توصیف در می‌یابیم که برای دستیابی به تجربه‌های مفید باید از برخی منافع گذشت که این تنها با تلاش جهادی محقق خواهد شد، چرا که مستلزم نوعی از خودگذشتگی است.

۳-۲. رعایت اخلاق حرفه‌ای

دومین اصلی که در ارتباط با مبنای پیشرفت اقتصادی به آن اشاره می‌شود، عبارت است از اینکه فرد به هر حرفه‌ای مشغول است، باید اخلاق حرفه‌ای را رعایت کند. به مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های اخلاقی پذیرفته شده که از سوی سازمان‌ها یا مجامع حرفه‌ای مقرر می‌شود تا مطلوب‌ترین روابط اجتماعی ممکن را برای اعضای خود در اجرای وظایف حرفه‌ای فراهم آورد، اخلاق حرفه‌ای گویند.

حاکمیت اخلاق حرفه‌ای در سازمان، قادر است به میزان چشم گیری سازمان را در جهت کاهش تنش‌ها و موفقیت در تحقق اثر بخش هدف یاری نماید و سازمان را پاسخگو سازد. امروزه داشتن اخلاق حرفه‌ای، به عنوان یک مزّیت رقابتی در سازمان مطرح می‌باشد. اخلاق حرفه‌ای، بهره‌وری را افزایش می‌دهد و ارتباطات را بهبود می‌بخشد؛ زیرا هنگامی که اخلاق حرفه‌ای در سازمان حاکم است، جریان اطلاعات به راحتی تسهیل می‌شود و مدیر قبل از ایجاد حادثه، از آن مطلع می‌شود (رضوان خواه، ۱۳۸۹، ص ۸٤).

با توجه به اینکه امروزه در بسیاری از مشاغل، اخلاق آن شغل به نحو مطلوبی رعایت نمی‌شود، نیل به این مهم مستلزم یک کار جهادی است. بدین سبب سعی شده است روش‌های دستیابی به این اصل جهاد اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد. اخلاق حرفه‌ای همچنین ایجاب می‌کند که فرد کار را به نحو اَحسن و شایسته انجام دهد، آن چنان که به پیشرفت اقتصادی سازمان مربوطه کمک کند.

در قرآن کریم خداوند به طور مکرر به تبیین جایگاه عمل صالح یا کار شایسته و نیکو در فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازد[1] مانند آیه شریفه: «فَأَمَّا مَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ

صَالِحًا فَعَسَى أَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ» (قصص:٦٧)؛ و اما کسی که توبه کند و ایمان آورد و به کار شایسته پردازد، امید است که از رستگاران باشد.

همچنین در جای دیگری آمده است: «وَ إِنِّی لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (طه:۸۲)؛ و به یقین من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست رهسپار شود.

۳-۲-۱. تعهد و وجدان کاری داشتن

وجدانِ کاری به معنای گرایش به انجام دادن صحیح کار و وظایف شغلی، بدون نظارت مستقیم است که از نشانه‌های آن، انجام کار بیشتر و بهتر و کنترل درونی است. از این روی، کارگزار برای دور شدن از وسوسه‌های نفس- به عنوان یک دشمن درونی- مبنی بر صحیح انجام ندادن کارها، نیازمند مبارزه با خود است که این خود نوعی جهاد با نفس است.

خداوند متعال در سوره نحل فرموده است: «وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل:۹۳)؛ و از آنچه (از نیک و بد) می‌کردید سؤال خواهد شد.

یکی از شیوه‌های تقویت وجدان کاری، پاسخگو بودن نسبت به کارهایی است که فرد انجام می‌دهد. مسلماً این پاسخگو بودن باید جنبه درونی داشته باشد که تنها در افراد امین و مؤمن این خصلت دیده می‌شود، پس امانت‌داری را می‌توان همان تعهد نامید. به عنوان مثال در سوره قصص یکی از دختران شعیب از پدرش می‌خواهد که حضرت موسی(ع) را برای انجام کار اجیر کند و دلیل آن را دو عامل نیرومندی و امانت داری موسی می‌داند: «قَالَتْ إِحْدَئهُمَا يَأَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِىُّ الْأَمِين» (قصص:٢٦)؛ یکی از آن دو (دختر) گفت: پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی آن کسی است که قویّ و امین باشد (و او همین مرد است).

یوسف نیز آنگاه که خواهان پذیرفتن مسئولیت خزانه‌داری مصر می‌شود، یکی از دلایل این کار را امانت داری خود می‌داند: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ

عَلِیم» (یوسف:۵۵)؛ (یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم!».

۳-۲-۲. کار مضاعف و پرهیز از تنبلی

از جمله روش‌های دیگری که می‌توان از آن برای نهادینه کردن اخلاق حرفه‌ای در افراد استفاده کرد، دعوت به کار مضاعف و پرهیز از تنبلی است، چرا که یکی از ارزش‌های هر سازمان، کار و تلاش برای دستیابی به آرمان‌ها و اهداف آن سازمان است و همانطور که قبلاً نیز گفته شد، اخلاق حرفه‌ای همانا پایبندی به ارزش‌های یک شغل است.

رهبر انقلاب در این باره می‌فرمایند: «من از همه کارکنان ... به جدّ می‌خواهم که کار خود را جهاد فی سبیل الله بدانند؛ احساس خستگی نکنید و بدانید جهاد فی سبیل الله، وعده الهی بر پیروزی آن است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۱۳۹۰/۱/۸).

لذا باید افراد همواره به کار و تلاش بپردازند چرا که «وَ أَن لَّیْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَی» (نجم:۳۹)؛ برای انسان چیزی جز حاصل تلاش او نیست. نیز در این رابطه در قرآن کریم آمده است: «فَمَن یَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا کُفْرَانَ لِسَعْیِهِ وَإِنَّا لَهُ کَاتِبُونَ» (انبیاء:۹٤)؛ پس هر که کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن [هم] باشد برای تلاش او ناسپاسی نخواهد بود و ماییم که به سود او ثبت می‌کنیم.

۳-۲-۳. پرهیز از دَغل کاری

یکی دیگر از روش‌هایی که می‌توان با استفاده از آن‌ها، اخلاق حرفه‌ای را در کسانی که به کار، شغل یا حرفه‌ای مشغول هستند، نهادینه نمود این است که به آنان بیاموزیم در کار و معاملاتشان از دغل کاری بپرهیزند. دغل کاری که به معنای فریب کاری نیز آمده است، در اصطلاح به معنی آن است که به دوستت در معامله با نوعی پنهان کاری، زیان برسانی» (حائری، ۱۳۸٦، ص۲٤٤).

این روش، اگر چه در همه مشاغل وجود دارد، ولیکن بیشتر برای کسانی که به شغل بازرگانی و تجارت مشغول هستند، موضوعیت پیدا می‌کند و حاکی از آن است

که یک تاجر یا بازرگان نباید از جنس یا کالایی که قصد فروش آن را دارد تعریف بیجا کرده یا عیوب آن را پنهان کند و از طریق دغل کاری آن را به فروش برساند.

قرآن کریم در این رابطه معتقد است افرادی که به کار یا حرفه‌ای مشغول هستند، نباید کار نیک خود را با یک کار بد همراه کنند: «وَ آخَرُونَ اعْتَرَفُواْ بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُواْ عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (توبه:۱۰۲)؛ و دیگرانی هستند که به گناهان خود اعتراف کرده و کار شایسته را با [کاری] دیگر که بد است درآمیخته‌اند، امید است خدا توبه آنان را بپذیرد که خدا آمرزنده مهربان است.

٤. استقلال اقتصادی

سومین مبنا جهت تحقق جهاد اقتصادی، داشتن استقلال اقتصادی در جامعه است. این اصل بدان جهت است که ترفند تحریم – که برخی کشورهای استعمارگر برای فلج کردن اقتصاد کشورهای در حال توسعه به کار می‌برند – را خنثی کرده و تولید ملی را افزایش دهد. خداوند در قرآن کریم، تلاش برای زندگی را در کنار جهاد فی سبیل الله قرار داده است که این مطلب نشان می‌دهد دین مبین اسلام برای این موضوع به چه میزان اهمیت قائل است.

یک ملت فقیر و محتاج به بیگانه، هرگز استقلال، عظمت و سربلندی نخواهد یافت و از همین روی است که برخی معتقدند اصولاً جهاد اقتصادی بخشی از جهاد با دشمن است. در این زمینه جمله‌ای از عبدالله بن مسعود، صحابی معروف نقل شده است که می‌گوید: «هر کس متاعی را به یکی از شهرهای مسلمانان ببرد و زحمات خود را در این راه برای خدا محسوب دارد، سپس آن را به قیمت عادلانه آن روز بفروشد، چنین کسی در پیشگاه خدا به منزله شهیدان است» (مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ج۲۵، ص۲۰۰). وی سپس این جمله از آیه آخر سوره مزّمل را به عنوان شاهد مثال حرف خود تلاوت کرد: «وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّه» (مزمّل:۲۰)؛ و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی (و کسب روزی) به سفر می‌روند.

٤-١. اعتدال در فقر و غنا

اولین اصل در زمینه کسب استقلال اقتصادی، اعتدال داشتن در حالات مختلف اقتصادی به ویژه حالت فقر و غنا است. به عبارت دیگر غنای کافی و زندگی بر اساس میانه‌روی و آزاد بودن از اسارت فقر از یک سو، و ثروت‌اندوزی از سوی دیگر، مطلوب‌ترین مقتضی کار و تلاش جهادی و الهی است.

از منظر قرآن کریم، در برگزیدن حالت فقر و غنا باید اعتدال را رعایت نمود، آنچنان که نه فقیر باشیم و از فقر گناه آلوده شویم و نه آن چنان که توانگری غنی و ستمگر. علامه مجلسی در شرح خود بر کتاب *اصول کافی* می‌نویسند: «به نظر می‌رسد مقتضای جمع و سازش میان اخباری که در این زمینه داریم، این است که فقر و ثروت هر یک به نوبه خود نعمتی الهی است که خداوند با توجه به مصلحت کامل افراد به آنان، یکی از این دو نعمت را ارزانی می‌دارد و بنده وظیفه دارد که در هنگام فقر و تهیدستی شکیبا و بلکه سپاسگزار و شاکر باشد و اگر هم خداوند مال و ثروتی بدو بخشید، سپاسگزار باشد و به مقتضای آن عمل کند.

بنابراین باید به مقتضای هر یک از فقر و توانگری عمل کرد. البته غالباً فقیر شکیبا، ثوابش بیشتر از توانگر شاکر است اما مراتب احوال هر یک کاملاً با هم متفاوت است و نمی‌توان درباره هر یک از دو طرف حکم صادر کرد. پیداست که بسنده کردن به مقدار کفاف سالم‌تر و کم خطرتر از طرفین آن یعنی فقر و توانگری است. به همین دلیل در بیشتر دعاها کفاف خواسته شده و پیامبر آن را از خداوند برای خاندانش و عترتش مسئلت کرده است» (مجلسی، ١٤٠٠ق، ج٧٢، ص٣١).

دین مبین اسلام در استفاده از نعمت‌های دنیایی، حالت موزون و معتدلی را پیشنهاد می‌کند که نه جمود داشته باشد و تمایلات زیباپسندی انسان را بکوبد و نه بر اعمال مسرفان و تجمّل گرایان صحّه گذارد. آن چنان که در قرآن آمده است، لقمان به هنگام تربیت فرزندش از وی می‌خواهد که در رفتارش میانه‌روی را اختیار کند: «وَاقْصِدْ فِی مَشْیِکَ» (لقمان:١٩).

٤-۱-۱. پرهیز از اسراف

یکی از روش‌هایی که در مورد اصل اعتدال در فقر و غنا مطرح می‌باشد، روش پرهیز از اسراف است. اسراف یعنی مصرف مال بسیار برای هدفی کوچک و بی ارزش (حائری، ۱۳۸٦، ص۲۲۰). در این زمینه ملاحظه می‌شود که قرآن کریم در کنار امر به مصرف، به هدف آن نیز اشاره نموده است که رعایت تقوا[۲]، انجام کارهای شایسته[۳]، شکر[٤] و ادای حقوق[٥] بخشی از اهداف و انگیزه‌های مصرف می‌باشند.

یکی از مواردی که در مورد اسراف لازم است بدان اشاره شود، پیامدهای اسراف است. از نظر قرآن کریم یکی از پیامدهای اسراف، فساد اجتماعی است. خداوند در این رابطه می‌فرماید: «وَ لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ. الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ» (شعراء:۱۵۱ و ۱۵۲)؛ و فرمان مسرفان را پیروی نکنید. آنان که در زمین فساد می‌کنند و به اصلاح نمی‌پردازند.

یکی دیگر از پیامدهای اسراف سقوط معنوی و دوری از محبت پروردگار است: «وَ لاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف:۳۱)؛ اسراف نکنید که او (خدا) مسرفان را دوست نمی‌دارد.[٦]

٤-۲. جلب رضای پروردگار

یکی از اصول مهم در کار جهادی این است که در مقابل نفس خود به مبارزه بایستد و به کارهایش رنگ خدایی بدهد. به همین دلیل است که حضرت سلیمان (ع) از خداوند می‌خواهد که: «وَ قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ» (نمل:۱۹)؛ پروردگارا، در دلم افکن تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای سپاس بگزارم و به کار شایسته‌ای که آن را می‌پسندی بپردازم.

همچنین قرآن مجید در این باره می‌فرماید: «فَمَن كَانَ يَرْجُو لِقَاء رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف:۱۱۰)؛ هر کس امید لقای پروردگارش دارد باید عمل صالح انجام دهد و کسی را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

در شأن نزول این آیه آمده است: «شخصی خدمت پیامبر اکرم (ص) آمد و گفت: یا رسول الله (ص)، من در راه خدا انفاق می‌کنم و صِله رَحِم به جای می‌آورم و این

اعمال را فقط به خاطر خدا انجام می‌دهم، اما هنگامی که مردم از این اعمال سخن می‌گویند و مرا ستایش می‌کنند، مسرور و خوشحال می‌شوم، این اعمال من چگونه است؟ پیامبر(ص) سکوت کرد و سخنی نگفت تا این که آیه «فَمَن كَانَ يَرْجُو لِقَاء رَبِّهِ ...» نازل شد» (درودی، ١٣٨٤، ص٨).

رهبر معظم انقلاب نیز پس از توصیه به مسئولین جهت انجام کار با جدّیت می‌فرمایند: «بدانند این تلاش و فعالیت مورد توجه پروردگار است و جهاد فی سبیل الله است. اگر با نیّت الهی باشد، نیّت خدمت به مرد و خدمت به کشور که یکی از نیّات الهی است، خدای متعال این جهاد را به نتیجه می‌رساند». ایشان در ادامه می‌فرمایند: «وقتی برای خدا و در راه خدا حرکت می‌کنید، به پیروزی خواهید رسید» (خامنه‌ای، ١٣٩٠، ١٣٩٠/١/٨).

٤-٢-١. کسب روزی حلال

کسب ثروت از راه حلال و برخورداری از رفاه و آسایش، مطلوب دین است که جز با کار و تلاش شرافت‌مندانه تحقق نمی‌یابد. در روایات آمده است که امام علی(ع) در هوای داغ نیمروز برای کار کردن بیرون می‌رفت، در حالی که نیازی نداشت. علت این بود که می‌خواست خداوند متعال ببیند که او برای کسب روزی حلال زحمت می‌کشد (حسینی، ١٣٨٧، ص٤٩١). لذا باید گفت که کسب روزی حلال یکی از راه‌های جلب رضایت خداوند است که این نیز خود نیازمند کار و تلاش جهادی است.

لذا کسی که در راه بدست آوردن روزی حلال برای خانواده‌اش تلاش کند، همچون مجاهد در راه خداست و عَرق جبین چنین کارگری همچون قطرات خون شهدا دارای ارزش است، چرا که این فرد نیز با تلاش و کار بی وقفه خود باری از مشکلات جامعه مسلمین را به دوش می‌کشد و با کار و سازندگی، روزنه‌های نفوذ تسلط بیگانگان را سد نموده و جامعه اسلامی را از ذلت و تحقیر و مشکلات متعدد به اوج عزت و کرامت می‌رساند.

در قرآن کریم آیات فراوانی است که انسان را تشویق کرده و به طلب روزی حلال توصیه می‌نماید. در سوره مبارکه جمعه می‌فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِي

الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (جمعه:۱۰)؛ پس آن‌گاه که نماز پایان یافت و آن را به جای آوردید، در پی کسب و کار خود روی زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا روزی طلبید و یاد خدا بسیار کنید، تا مگر رستگار و سعادتمند گردید.

در رابطه با کسب روزی حلال همچنین در تاریخ آمده است که «خداوند متعال به حضرت داود(ع) فرمود: تو بنده بسیار خوبی هستی، اگر از بیت‌المال ارتزاق نمی‌کردی (کنایه از این‌که استفاده از بیت‌المال تنها عیب و نقص توست). بعد از این وحی حضرت داود (ع) به گریه افتاد و عرض کرد: پروردگارا چه کنم که این نقص مرتفع شود؟ خداوند متعال زره سازی را به او تعلیم داد و پس از آن حضرت داود (ع) با ساخت زره و بهره‌گیری از دسترنج خود ارتزاق می‌نمود» (میرزا نوری، ۱٤۰۸ق، ج۲، ص٤۱۷).

٤-۲-۲. شکرگزاری و استفاده صحیح از نعمات

یکی از شیوه‌هایی که با استفاده از آن می‌توان رضایت پروردگار را جلب نمود، استفاده صحیح و حلال از نعمت‌هایی است که پروردگار در اختیار انسان قرار داده است. شُکر یعنی واکنش مثبت در برابر نعمت‌ها و آنچه موجب صلاح و سعادت است. شکرگزاری از پائین ترین مرحله یعنی شکر زبانی تا شکر در مقام عمل را شامل می‌شود

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرمایند: «لَئِن شَكَرْتُمْ لأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم:۷)؛ اگر سپاسگزار نعمت‌های الهی باشید، آن نعمت‌ها را می‌افزاییم و اگر کفران نعمت کنید، البته عذاب من شدید است.

یکی از معانی شکر در این آیه، شکر عملی است؛ یعنی استفاده درست از نعمت‌های خداوند. به عبارتی آیه فوق را می‌توان این چنین معنا کرد: «اگر از مواهب الهی قدردانی و حق شناسی کنید و به نحو مطلوب بهره‌برداری نمایید، آن‌ها را بر شما افزایش می‌دهیم و اگر ناسپاسی کنید و آن نعمت‌ها را بیهوده و در راه خلاف مصرف کنید، عذاب من البته شدید است» (میر معزی، ۱۳۷۸، ص۱۰۵).

اگر انسان توجه کند که هر آنچه از آن برخوردار است، همه از جانب خداوند متعال بوده و ولی نعمت حقیقی خداوند است، طبعاً این معرفت، آن احساس فطری را در انسان بارور ساخته، حالت شکرگزاری و سپاس از خداوند را در او شکوفا می‌کند. پس شکرگزاری از خداوند آن است که انسان در برابر نعمت‌های الهی قدردان بوده و در هنگام استفاده از آن نعمت‌ها به یاد خدا باشد. وقتی به یاد او باشد و کارهایش را برای جلب رضای او انجام دهد، به یاد این نکته هم می‌افتد که نعمت را در جایی که پروردگارش خواسته است، استعمال کند. بر این اساس مشخص است که هیچ موجود و هیچ شیئی نیست که نعمتی از نعمت‌های خدا نباشد، و هیچ نعمتی را خلق نکرده مگر اینکه در راه بندگی‌اش استعمال شود.

یکی از نکاتی که در مورد شکرگزاری حایز اهمیت است و کارگزاران در تحقق این اصل باید بدان توجه داشته باشند این است که، فایده شکر در برابر خداوند تنها عاید شاکر می‌شود، همچنان که ضرر کفران نیز به فرد کفران کننده برمی‌گردد، نه به خدا، چرا که خداوند غنی مطلق است و احتیاج به شکرگزاری بندگانش ندارد.

در قرآن کریم آمده است: «وَ مَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (لقمان:۱۲)؛ هر کس شکر کند، همانا برای خویش شکر کرده و هر کس کفران کند (بداند به خدا زیان نمی‌رساند، زیرا) بی‌تردید خداوند بی‌نیاز و ستوده است.

البته باید توجه داشت که شکرگزاری پروردگار نباید تنها به امید فزونی نعمت صورت گیرد، بلکه باید آموخت که خداوند را از آن جهت که شایسته شکرگزاری است و به خاطر نعمت‌های بی منتهایی که به انسان داده است، قدردان باشیم.

از جمله شیوه‌های دیگری که می‌توان در نیل به شکرگزاری از آن استفاده نمود، تأکید بر قدرشناسی از دیگران است. اگر فرد، قدرشناسی از دیگران را به سبب کارهایی که برایش انجام می‌دهند، بیاموزد، می‌تواند در مقابل پروردگارش نیز شکرگزار باشد. لذا افراد باید در مرحله اول قدردانی از بندگان خدا را بیاموزند.

در همین رابطه امام سجاد(ع) می‌فرمایند: «خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت به یکی از بندگان خود می‌فرماید: آیا از فلانی سپاسگزاری کردی؟ عرض می‌کند: (نه)،

بلکه از تو سپاسگزاری کردم ای پروردگار. خداوند پاسخ می‌دهد: چون از او تشکر نکرده‌ای، از من نیز تشکر نکرده‌ای (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج۲، ص۹۹).

٤-۳. اصالت کار

«کار» که معادل عربی آن «عَمل» است، در لغت به معنای هر فعلی است که از موجود زنده و از روی قصد و نیّت سر بزند و اخص از «فِعل» است، چون فعل گاهی بدون قصد و نیّت مشخصی از موجودات زنده سر می‌زند و گاهی به جمادات هم نسبت داده می‌شود.

از نظر اقتصادی واژه «عَمل» تنها به «انجام کار» اطلاق می‌گردد و شامل کار خوب و بد نیز می‌گردد» (حائری، ۱۳۸٦، ص۲٤۱). انسان در عین حال که خالق و آفریننده و مدبّر کار است، به شدت متأثر از آن نیز هست، به نحوی که کار بر روح و جان انسان رنگ می‌زند و در خُلق و خوی و رفتار انسان تأثیر می‌گذارد. همچنین کار در رشد ابعاد مختلف وجود آدمی نقش دارد و جسم و عقل و احساس و عاطفه را تحت تربیت خود قرار می‌دهد.

لذا باید توجه داشت که در نظام اقتصادی اسلام، کار و تولید، نه امری صرفاً مادی، بلکه عبادتی بزرگ و دارای ارزش ذاتی است، بدین معنا که کار و تولید، صرفاً مقدمه کسب کردن سود و درآمد، یا ضرورتی برای جلوگیری از فقر نیست، بلکه نفس کار کردن به سبب آثار مثبت اقتصادی، روحی و اخلاقی آن مطلوب است. از این رو انسان در عین بی نیازی، موظف به کار و تلاش است.

خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ» (نحل:۹۷)؛ هر کس از مرد و زن، که مؤمن باشد و کار نیکو انجام دهد، زندگی خوش و پاکیزه‌ای به او خواهیم داد و پاداشی بهتر از کارشان به آنان می‌دهیم.

همچنین در جای دیگری آمده است: «وَ مَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتَ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُوْلَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لاَ يُظْلَمُونَ نَقِيراً» (نساء:۱۲٤)؛ هر مؤمنی، مرد یا

زن که کار شایسته انجام دهد، به بهشت رود و حتی به اندازه آن گودی که بر پشت هسته خرماست، به آنان ستم نشود.

آدمی در کاری که انجام می‌دهد، خود را می‌یابد، می‌آزماید و استعدادهای خود را کشف و شکوفا می‌کند. انسان با کار کردن کرامت، شخصیت و حیثیت خود را حفظ می‌کند و این امر بر روحیه و رفتارش تأثیر می‌گذارد.

با عطف به آنچه گفته شد افراد باید بدانند که کار را تنها وسیله درآمدزایی افراطی و مال اندوزی ندانند. تذکر این نکته بدین دلیل است که انسان فطرتاً به دنبال جمع آوری مال است: «وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (عادیات:۸)؛ او بر حُبّ مال دنیا سخت فریفته و بخیل است. بنابراین نیل به این اصل مستلزم رویارویی با نفسِ حریص است، که خود نیاز به تلاش جهادی و مبارزه با نفس دارد.

کسانی که به هر شغل و حرفه‌ای مشغول‌اند، باید بدانند که اموالی که اندوخته‌اند در نزد خداوند جایگاهی ندارد و ملاکی برای ارزیابی نخواهد بود: «وَ مَا أَمْوَالُكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُم بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَى» (سبأ:۳۷)؛ اموال و اولاد شما چیزی نیست که شما را به درگاه ما مقرب گرداند.

٤-۳-۱. پرهیز از احتکار و کم فروشی

یکی دیگر از روش‌هایی که باعث می‌شود گروهی به سمت کار و تلاش برای کسب در آمد نروند، احتکار است. احتکار در اصطلاح عبارت است از: «انبار کردن طعام به منظور گران فروختن» (حائری، ۱۳۸٦، ص۲۱۹). عده‌ای با انبار کردن کالا نبض بازار را در دست گرفته و قیمت‌ها را کنترل می‌کنند. برای این افراد تنها سرمایه در مقابل کار اصالت دارد، یعنی دقیقاً مخالف آنچه مورد نظر قرآن کریم است و لذا می‌توان جلوگیری از احتکار و انبار کردن کالا را یکی از روش‌هایی دانست که قرآن کریم برای اصالت دادن به کار مورد استفاده قرار می‌دهد.

امام علی (ع) در خصوص مبارزه با محتکرین و گران‌فروشان که از عوامل رکود اقتصادی بوده و مانع از ترویج کار و فرهنگ کار می‌شوند، می‌فرمایند: «فَامْنَعْ مِنَ الِاحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) مَنَعَ مِنْهُ ... فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَنَكِّلْ بِهِ وَ عَاقِبْهُ

[مِنْ] فِی غَیْرِ إِسْرَاف» (شریف رضی، ۱۳۸۲، نامه۵۳، ص۵۸۳)؛ پس از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا(ص) از آن جلوگیری می‌کرد ... کسی که پس از منع تو احتکار کند او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر او اسراف نکن.

یکی از مصادیق احتکار، کم‌فروشی است که در قرآن از آن به طور مکرر نهی شده است. از جمله خداوند می‌فرماید: «وَ لاَ تَنقُصُواْ الْمِکْیَالَ وَ الْمِیزَانَ»(هود:۸٤). نیز همانطور که پیشتر گفته شد در سوره شعراء آمده است: «أَوْفُوا الْکَیْلَ وَ لَا تَکُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِینَ. وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِیمِ. وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْیَاءهُمْ» (شعراء:۱۸۳–۱۸۱).

با عطف به فرماشات قرآن کریم که شرح آن‌ها گذشت، مشخص می‌شود که افراد باید با استفاده از این روش، به طور عملی ثابت کنند که آنچه اصالت دارد، کار و تلاش است و تنها درآمدی که از این طریق حاصل می‌شود، ارزشمند و با برکت است؛ نه انبار کردن کالا و کم فروشی و سودآوری از این طریق.

در انتها به منظور درک بهتر آنچه گفته شد، مجموع مبانی، اصول و روش‌های نیل به هر کدام از مبانی در جدول ذیل احصاء شده است:

جدول ۱. مبانی، اصول و روش‌های نیل به کار و تلاش جهادی

مبنا	اصول	روش‌ها
تقویت شخصیت اجتماعی	احساس مسئولیت	انفاق کردن
		زکات دادن
		قرض الحسنه (وام) دادن
	حفظ عزتمندی	قناعت ورزیدن
		پرهیز از حرص و طمع
پیشرفت اقتصادی	تخصص داشتن	مداومت ورزی بر یک کار مشخص
		تجربه اندوزی
	رعایت اخلاق حرفه‌ای	تعهد و وجدان کاری داشتن در کار
		کار مضاعف و پرهیز از تنبلی
		پرهیز از دغلکاری
استقلال اقتصادی	اعتدال در فقر و غنا	پرهیز از اسراف

	جلب رضای پروردگار	کسب روزی حلال
		شکر گزاری و استفاده صحیح از نعمت‌ها
	اصالت کار	پرهیز از احتکار و کم فروشی

نتیجه گیری

با مطالعه پژوهش حاضر در می‌یابیم؛ آنچه به عنوان مبانی، اصول و روش‌های کار و تلاش جهادی از منظر قرآن کریم معرفی شده است، نشان از آن دارد که قرآن کریم نسبت به موضوع کار و تلاش جهادی حساس بوده و در این رابطه رهنمودهای متعددی برای کسانی دارد که گام در عرصه تلاش اقتصادی می‌گذارند.

از جمله، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم همواره علاوه بر پیشرفت فردی افراد در زمینه شغل و حرفه مربوطه، به پیشرفت جامعه اسلامی نیز عنایت داشته، و کارگزاران را به رهنمودهایی جهت توجه به مسائل، مشکلات و نیازهای جامعه رهنمون شده است. لذا با بهره‌گیری صحیح از آن‌چه به عنوان مبانی جهاد اقتصادی و اصول و روش‌های مربوط به آن در این پژوهش معرفی شده است، می‌توان به تعمیق روحیه جهادی در انجام کارها و مشاغل در افراد پرداخت و پیشرفت فرد و جامعه را در حوزه اقتصادی محقق ساخت.

مهمترین نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که مبانی کار و تلاش جهادی از دیدگاه قرآن عبارت از؛ تقویت شخصیت اجتماعی، پیشرفت اقتصادی و استقلال اقتصادی است. این مبانی بر اصولی از جمله؛ احساس مسئولیت، حفظ عزتمندی، تخصص داشتن، رعایت اخلاق حرفه‌ای، اعتدال در فقر و غنا، جلب رضای پروردگار و اصالت کار تکیه دارند.

جهت نیل به این اصول نیز لازم است روش‌های ذیل لحاظ شود: انفاق کردن، زکات دادن، قرض الحسنه (وام) دادن، قناعت ورزیدن، پرهیز از حرص و طمع، مداومت ورزی بر یک کار مشخص، تجربه اندوزی، تعهد و وجدان کاری داشتن در

کار، کار مضاعف و پرهیز از تنبلی، پرهیز از دغل‌کاری، پرهیز از اسراف، کسب روزی حلال، شکرگزاری و استفاده صحیح از نعمت‌ها و پرهیز از احتکار و کم فروشی.

یادداشت‌ها

۱. برخی از آیاتی که به موضوع کار شایسته اشاره می کنند عبارتند از: (حج:۷۷، کهف:۸۸، آل عمران:۱۰٤، قصص:۸۰، توبه:۱۰۲ و آل عمران:۱۱۰).
۲. ر.ک: (مائده:۸۸، بقره:۱٦۸ و طه:۸۱).
۳. ر.ک: (مومنون:۵۱).
٤. ر.ک: (بقره:۱۷۲ و نحل:۱۱٤).
۵. ر.ک: (انعام:۱٤۱).
٦. ر.ک: (مؤمن:۲۸ و اسراء:۲٦ و ۲۷).

کتابنامه

قرآن کریم.

ایروانی، جواد (۱۳۸۳)، «اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق*، تهران: دانشگاه تهران، شماره۱٤.

باقری، خسرو (۱۳۸۷)، «تربیت حرفه‌ای در بستر اسلام»، *فصلنامه حوزه و دانشگاه*، قم: انتشارات حوزه علمیه قم، سال٤، شماره۱٤و۱۵.

تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳٦۰)، *غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه میر سید جلال الدین محدث، تهران: انتشارات جامعه تهران.

جدیری، محمد حسن (۱۳۷۸)، *تربیت اقتصادی کودکان از دیدگاه اسلام*، تهران: دانشگاه آزاد تهران مرکز، پایان نامه فوق لیسانس.

حائری، سید محسن (۱۳۸٦)، *اندیشه‌های اقتصادی در نهج البلاغه*، ترجمه آل بویه لنگرودی، تهران: بنیاد نهج البلاغه.

حسینی، سید حمید (۱۳۸۷)، *منتخب میزان الحکمه*، قم: دارالحدیث.

خامنه‌ای سید علی (۱۳۹۰)، *حدیث ولایت*، مجموعه سخنان مقام معظم رهبری، تهران: انتشارات حدیث ولایت.

درودی، هما (۱۳۸٤)، «فرهنگ کار از دیدگاه اسلام»، *مجله کار و جامعه*، اصفهان: نشر دانش، شماره٦٣.

رضایی، مجید (۱۳۸۷)، *کار و دین*، تهران: کانون اندیشه جوان.

رضوان خواه، سلمان (۱۳۸۹)، «تربیت حرفه‌ای از دیدگاه ائمه اطهار(ع)»، پایان‌نامه فوق لیسانس، تهران: دانشگاه شاهد.

شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۸۲)، *نهج البلاغه*، ترجمه محمدباقر حجتی، قم: انتشارات دفتر تاریخ و مطالعات اسلامی.

طبرسی، علی (۱۳۸۵ق)، *مشکوة الانوار*، نجف: مکتبة الحیدریة.

طهماسبی سروستانی، رابعه (۱۳۷۹)، *تربیت اقتصادی در نهج البلاغه*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، پایان نامه فوق لیسانس.

عبدوس، محمد تقی؛ اشتهاردی محمد مهدی (۱۳۷۵)، *بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان(ع)*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

عبدی، غلامرضا (۱۳۸٦)، «مهارت‌های زندگی از دیدگاه پیامبر اعظم (ص) با تاکید بر احادیث شریف نهج الفصاحه»، پایان نامه فوق لیسانس، تهران: دانشگاه شاهد.

کلینی، یعقوب (۱۳۸۸ق)، *اصول کافی*، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتاب اسلامی.

مجلسی، محمدباقر (۱٤۰۰ق)، *بحارالانوار الجامعة لدرر الاخبار ائمة الاطهار(ع)*، بیروت: دارالاحیاء التراث.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷٤)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامی.

میرزا نوری، حسین (۱٤۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، بیروت: مؤسسهٔ آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث.

میر معزی، سید حسین (۱۳۷۸)، *نظام اقتصادی اسلام*، تهران: کانون اندیشه جوان.